

Conceptual Domains of Word ‘Guidance’ in the Holy Quran: A Critical Analytic Study of Conceptual Metaphor

Azar Dolati*

Mahinnaz Mirdehghan Farashah**

Alireza Qaemini***

Abstract

Introduction: The present research is aimed to evaluate conceptual domains via evaluating conceptual metaphors and conceptual keys of word “guidance” on the basis of Charteris-Black’s (2004) viewpoint on critical analysis of metaphor. The research is made within all verses of last twelve minuties of the holy Quran. The conceptual keys are conceptualized in the particular lexical factors’ format and are explained by specific conceptual domains via its descriptive–analytical method and it’s cognitive linguistic framework. The data collected from the aforementioned verses are shown in the form of tables, including conceptual metaphors and conceptual keys related to the word guidance, together with explanations for each table. Due to the limited space of the article, similar verses have not been mentioned in the paper.

Findings: is to analyse which conceptual domains are used to explain conceptual metaphors and conceptual keys of the word

*Ph.D. Candidate of Linguistics, Shahid Beheshti University.

E-mail: azardolatii@yahoo.com

**Associate Professor at “The Department of Linguistics” of Shahid Beheshti University (Corresponding Author). E-mail: m_mirdehghan@sbu.ac.ir

***Associate Professor at “The Epistemology Department” in Research Institute for Islamic Culture and Thought. E-mail: qaemini@yahoo.com

Received date: 2021.10.28

Accepted date: 2022.01.05

“guidance” within the Quranic corpus.

Black's approach in explaining the conceptual fields of the Quranic verses, is a new approach in the field, which by presenting extensive dimensions of conceptual metaphor analysis and with a critical method, provides a suitable platform for research in various discourse areas, especially the holy books. The importance of his approach is not because of the introduction of the conceptual areas of metaphor, but because of the introduction of methods of using metaphor in persuading the audience to accept discourse, in line with the goals of the speaker. According to Black, metaphor is a literary technique to persuade the audience to accept a certain point of view. He deals with the use of metaphor in concealing the underlying persuasive role, which is often not clear and transparent, and with a critical approach to metaphor, he tries to show the political and ideological motivations in the texts. Based on this, he considers a conceptual metaphor to be the result of a number of metaphorical expressions and believes that the conceptual key is a higher-level metaphor that expresses how multiple metaphors relate to each other. According to him, conceptual metaphors and conceptual keys express the motivation of specific higher-level metaphors and indicate the type of ideas related to the source area that is supposed to be transferred to the metaphorical destination area. Black proposes the definitions of metaphor in terms of linguistic, cognitive and pragmatics; he believes that metaphor is one of those conscious choices of language that hides the underlying social processes and its analysis is an effective factor in identifying textual content.

Conclusion: The research results determines the following 14 conceptual domains within the Quranic corpus: religion, journey, consciousness, monotheism, light, inspiration, authority, remedy, piety, judgment, effort, reward, climate, creation. Examining the use of these domains in the critical approach to metaphor and what words these areas use to encourage the audience to accept metaphors shows that the most use of conceptual keys has been in the field of religion, which is with the words of the Qur'an, prayer Prophet, revelation, zakat, Islam, faith and monotheism.

Keywords: Holy Quran, Guidance, Critical Analysis of Metaphor, Conceptual Metaphor, Conceptual Key, Charteris-Black.



حوزه‌های مفهومی واژه «هدایت» در قرآن کریم در چارچوب رویکرد تحلیل انتقادی چارتریس بلک از استعاره‌های مفهومی

آذر دولتی*

مهین ناز میردهقان فراشاه**

علیرضا قائمی‌نیا***

چکیده

پژوهش حاضر همراه با تحلیل استعاره‌های مفهومی و کلیده‌های مفهومی واژه «هدایت» در دوازده جزء آخر قرآن کریم به تبیین حوزه‌های مفهومی آن بر اساس رویکرد تحلیل انتقادی چارتریس بلک می‌پردازد. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و در چارچوب زبان‌شناسی شناختی می‌باشد. پرسش اصلی در پژوهش حاضر تحلیل آن است که در تبیین استعاره‌های مفهومی و کلیده‌های مفهومی واژه هدایت، کدام حوزه‌های مفهومی به کار رفته‌اند؟ در این راستا و با تحلیل آیات مورد بررسی حوزه‌های مفهومی حاصل از نتایج تحقیق عبارت‌اند از: دین، سفر، آگاهی، توحید، نور، وحی، اختیار، درمان، تقوا، داوری، تلاش، پاداش، شرایط آب و هوایی، تکوینی‌بودن (آفرینش). بیشترین کاربرد این حوزه‌ها مربوط به حوزه دین و سفر است که خود کلیده‌های مفهومی «دین هدایت است» و «زندگی معنوی سفر است» را برمی‌انگیزد.

واژگان کلیدی: هدایت، رویکرد تحلیل انتقادی استعاره، استعاره مفهومی، چارتریس بلک.

azardolatii@yahoo.com

* دانشجوی دکتری زبان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی.

** دانشیار گروه زبان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول).

m_mirdehghan@sbu.ac.ir

*** دانشیار گروه معرفت‌شناسی و علوم شناختی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

alirezaqaemini@gmail.com

تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۱۰/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۰۶

مقدمه

تعاریف مختلفی از استعاره ارائه شده که هر کدام بر مبنای رویکردهای گوناگون و از جنبه‌های متفاوت به استعاره پرداخته‌اند و در اینجا به عمده‌ترین آنها به اختصار اشاره شده است. در رویکرد معناشناسی شناختی لیکاف و جانسون (Lakoff and Johnson, 1980, p.14) بر این باورند که نظام مفهومی بر اساس الگوهای مشخصی نحوه ادراک و عملکرد ما را به صورت ناخودآگاه تعیین می‌کنند؛ این الگوهای مشخص که بخش عمده‌ای از نظام مفهومی ما را تشکیل می‌دهند، استعاره‌ها هستند که در آنها یک حوزه از طریق حوزه دیگر مفهوم‌سازی می‌شود. نظام مفهومی انسان به شکل استعاری ساختار یافته و بخش عمده‌ای از فرایندهای فکری آدمی استعاری است. در این راستا استعاره مفهومی تصویری مفهومی است که زیربنای مجموعه‌ای از استعاره‌ها را تشکیل می‌دهد (همان). کووچس استعاره را درک یک حوزه مفهومی در قالب حوزه مفهومی دیگر می‌داند (Kovecses, 2010). وی واژه درک را مترادف با تفسیر یا تصور در نظر گرفته، معتقد است استعاره مفهومی تفسیر یک حوزه انتزاعی‌تر از طریق حوزه مادی‌تر به صورت غیر آتی، چه در حافظه بلندمدت و چه در نتیجه یک فرایند تاریخی-فرهنگی است. لوینسون در رویکرد کاربردشناختی، محتوای استعاری پاره‌گفتارها را مشتق از اصول تعبیر معناشناختی نمی‌داند. او معتقد است کاربردشناسی با افزودن جزئیاتی از بافت به معانی تحت‌لفظی، این ویژگی‌های تعبیری استعاری را به دست می‌دهد (Levinson, 1983, p.156). گوتلی (Goatly, 1997, p.158) معتقد است کاربرد پربسامد استعاره در شعر و ادبیات به دلیل برانگیختن عواطف از این طریق است. چارتریس بلک (Charteris-Black, 2004) معتقد است استعاره مفهومی نسبی است، از این جهت که مفاهیم غالباً در طول زمان تغییر می‌کند و آنچه استعاری است، به مرور زمان

ممکن است تحت‌اللفظی شود؛ از این رو تعاریف استعاره باید در یک جهت‌گیری زبانی، شناختی و کاربردشناختی مطرح گردند. در دیدگاه کاربردشناختی که مبنای پژوهش حاضر نیز می‌باشد، چارتریس‌بلک بر این باور است استعاره صنعتی ادبی برای اقتناع مخاطب به پذیرش دیدگاهی خاص است. وی به کاربرد استعاره در پنهان‌سازی نقش اقتاعی زیربنایی که اغلب آشکار و شفاف نیست می‌پردازد و با رویکردی انتقادی به استعاره می‌کوشد انگیزه‌های سیاسی و ایدئولوژیکی در متون را نشان دهد. در این راستا به دلیل اهمیت قرآن به عنوان کلام خداوند و ابعاد وسیع آموزشی و تربیتی که در قالب‌های استعاری مطرح می‌کند، تحقیق حاضر بر آن است استعاره‌های مفهومی واژه «هدایت» را در دوازده جزء آخر قرآن و در چارچوب رویکرد کاربردی چارتریس‌بلک از استعاره‌های مفهومی و در نگرشی انتقادی که در این زمینه مطرح می‌کند، تفسیر و تبیین کرده، به این پرسش پاسخ دهد که در تبیین استعاره‌های مفهومی و کلیدهای مفهومی واژه هدایت، کدام حوزه‌های مفهومی به کار رفته‌اند (Charteris-Black, 2004). در ادامه پژوهش ابتدا مروری بر پیشینه پژوهش‌های مرتبط در این زمینه پرداخته شده است.

الف) پیشینه پژوهش

استعاره‌های مفهومی همواره مبنای مطالعات و پژوهش‌های متعددی بوده که با رویکردهای گوناگون به استعاره صورت گرفته‌اند و مبنای مطالعات بعدی را فراهم کرده و عرصه تحقیقی وسیعی را در این زمینه را به وجود آورده‌اند. از آن میان می‌توان موارد زیر را برشمرد: پوراابراهیم، گلفام، آقاگلزاده و کردزعفرانلو (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان «بررسی معنی‌شناختی مکانی‌شدگی مفاهیم انتزاعی در زبان قرآن» به بررسی استعاره جهت‌ی بالابالایی در نیمه اول قرآن در چارچوب رویکرد معنی‌شناسی شناختی پرداخته، نشان می‌دهند مفاهیم انتزاعی قدرت، بیشتر و بهتر در بالای یک خط عمودی

قرار دارند و مفاهیم و تصووراتی چون ضعف، کمتر و بدتر در پایین قرار دارند. جولایی (۱۳۹۱) در پایان‌نامه خود با عنوان «استعاره‌های مفهومی از منظر معنی‌شناسی شناختی» بر اساس چارچوب نظری لیکاف و جانسون به بررسی استعاره‌های مفهومی در زبان فارسی پرداخته و پربسامدترین حوزه‌های مبدأ و مقصد را به تفکیک معرفی کرده است. ذوالفقاری و عباسی (۱۳۹۴) با بررسی استعاره‌های مفهومی و طرح‌واره‌های تصویری در تحقیقی به نام «استعاره مفهومی و طرح‌واره‌های تصویری در اشعار ابن‌خفاجه» راز ماندگاری استعاره‌ها در اشعار ابن‌خفاجه را ایجاد مفاهیم قراردادی و زبان خودکار در برخی اشعار و بسط مفاهیم قراردادی در برخی دیگر با ایجاد استعاره‌هایی بدیع و خلاق می‌دانند. امینی، کامیابی‌گل و نوروزی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «بررسی استعاره‌های مفهومی ساختاری در سوره نبأ در قرآن کریم» با واکاوی معنا و تفسیر سوره نبأ به قلم انصاریان استعاره‌های مفهومی ساختاری این سوره را مشخص نموده‌اند که شامل نه عبارت استعاری ساختاری در آیات سوره مذکور است. حجازی (۱۳۹۵) با بررسی آیه ۳۵ سوره نور در تحقیقی با عنوان «استعاره مفهومی آیه نور در قرآن» استعاره‌های مفهومی و طرح‌واره‌های استعاره مفهومی واژه نور را بررسی و تبیین کرده، تکثر معادل‌های نور و چیدمان واژه‌های مشکوه، مصباح و زجاجه در این آیه را دلیل وصف‌ناپذیری ذات پروردگار می‌داند. وی دریافت کلان استعاره مفهومی «الله نور السموات و الارض» را به کمک خرده‌استعاره‌هایی مانند آفریننده آسمان‌ها و زمین، رحمت گسترده، هدایت‌گر، منشأ خیر و کمال، روشنی‌بخش و منشأ علم تبیین می‌کند. حسینی و قائمی‌نیا (۱۳۹۵) در پژوهشی به نام «استعاره مفهومی رحمت الهی در قرآن کریم» با تبیین استعاره‌های مفهومی رحمت الهی در قرآن کریم، رحمت الهی را استعاره ساختاری می‌دانند که متشکل از چندین استعاره است که با مفاهیمی همچون

گنجینه‌هایی از اموال گران‌بها، باران رحمت و ظرف یا پهنهٔ وسیع مفهوم‌سازی شده است. قائمی‌نیا (۱۳۹۶) در کتاب خود با عنوان **استعاره‌های مفهومی و فضاهای قرآن** به کمک دو نظریه استعارهٔ مفهومی و تلفیق مفهومی که از نظریات مطرح در علوم شناختی‌اند، تحلیل جدیدی از زبان استعاری قرآن و ارتباط آن با جهان‌بینی اسلامی مطرح کرده که بر اساس آن استعاره‌های مفهومی قرآن بخش اجتناب‌ناپذیر تفکر اسلامی‌اند و از راه تحلیل آنها می‌توان به جهان‌بینی قرآن دست یافت. حسینی و فقهی‌زاده (۱۳۹۶) به تبیین تأثیر‌گذاری انواع استعاره‌های هستی‌شناختی در قرآن بر حکمت‌های **نهج البلاغه** پرداخته و در پژوهشی با عنوان «اثرپذیری حکمت‌های نهج البلاغه از قرآن کریم در انعکاس انواع استعاره‌های هستی‌شناختی» مشخص کرده‌اند که استعاره‌های به‌کاررفته در **نهج البلاغه** برگرفته از استعاره‌های مفهومی قرآن و تجلی آنها بوده و بازتاب جهان‌بینی و فرهنگ قرآن هستند. حجازی، بهادرزاده و افراشی (۱۳۹۷) استعاره‌های مفهومی حرکت در قرآن را بررسی و در تحقیقی به نام «تحلیل شناختی استعاره‌های مفهومی حرکت در قرآن کریم» تبیین کرده‌اند که کاربرد هر یک از افعال حرکتی برای مفاهیم حوزهٔ مقصد، علاوه بر انتقال ویژگی حرکت، ماهیت حرکت را نیز در هر یک از حوزه‌های مقصد تبیین می‌کند. آنها استعاره‌های مفهومی حرکت را تحت پوشش استعارهٔ بنیادی «زندگی سفر است» به صورت منسجم معرفی کرده، به عنوان جنبه‌هایی از مفهوم زندگی از دیدگاه قرآن با هدف قرب الهی می‌دانند. طالبی انوری و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «تبیینی شناختی بر استعاره‌های شباهت‌بنیاد در یازده جزء پایانی قرآن مجید» استعاره‌های شباهت‌بنیاد در یازده جزء پایانی قرآن مجید را مورد بررسی قرار داده‌اند. صاحب عبید (۱۳۹۷) در پایان‌نامه خود با نام «نقش استعارهٔ مفهومی در فهم قرآن کریم، نمونه سوره‌های نور» به توصیف استعارهٔ مفهومی و نقش آن

در فهم آیات قرآن کریم پرداخته و کاربرد انواع استعاره‌های مفهومی (جهتی، هستی‌شناختی و ساختاری) را در فهم قرآن تبیین کرده است. طالبی ائوری (۱۳۹۸) در رساله دکتری خود با عنوان «تبیین شناختی و فرهنگی مفهوم‌سازی استعاری در جزءهای بیست تا سی قرآن کریم» تمامی استعاره‌های مفهومی در جزءهای بیست تا سی قرآن کریم را بررسی کرده و به تبیین شناختی و فرهنگی مفهوم‌سازی استعاری در این سوره‌ها پرداخته است. در ادامه ضمن ارائه برخی رویکردهای مطرح در چارچوب رویکرد کاربردی به استعاره و با نگرشی انتقادی به تحلیل استعاره، به مبنای نظری پژوهش حاضر پرداخته شده است.

ب) مبانی نظری پژوهش

رمزگشایی جدید زبانی در روابط پدیده‌ها نقش کاوش‌گرانه در انگیزش روش‌های نوین درک دارند که مبنای جدید تفکر و عمل نیز هستند. استعاره مصداق توانایی ذهن بشر برای درک روابط متشابه و یافتن شباهت‌ها از میان تفاوت‌هاست. این ویژگی بنیادین چیزی است که آن را تفکر خلاق می‌دانیم (Charteris-Black, 2004). در نظر لیکاف (Lakoff, 1993, p.203) جایگاه استعاره در روندی است که یک حوزه ذهنی درون حوزه‌ای دیگر مفهوم‌سازی می‌شود. کرافت (Crott, 1993, p.239) حوزه‌ها را ساختارهایی معنایی می‌داند که عملکردشان مبنای مفاهیم تلقی می‌شوند. حوزه‌های سطح بنیادین ورودی حوزه‌های مقصد انتزاعی‌تر محسوب می‌شوند؛ به این معنا که این حوزه‌ها بر حسب تجربیات بنیادین انسانی از جهان فیزیکی مانند روابط فضایی و علی مفهوم‌سازی می‌شوند و پیش‌فرض حوزه‌های دیگر انتزاعی از قبیل مکان و شکل‌اند. به عقیده لیکاف (Lakoff, 1993, p.206) نگاهت ارتباط یک به یک اعضای حوزه مبدأ ملموس به حوزه‌های مقصد انتزاعی است که هدف آن نشان‌دادن یکسانی ساختاری بین

دو حوزه است. بنابراین نگاهت‌ها حاوی مجموعه‌ای از روابط و نه فقط مشخصه‌ها هستند. چارتریس‌بلک این اصطلاحات را گیج‌کننده می‌داند و معتقد است لیکاف از استعاره برای ارجاع به خودنگاشت‌ها به جای بیان آنها در قالب زبان استفاده می‌کند (Charteris-Black, 2004). به عقیده چارتریس‌بلک در شرح عبارات نگاهت‌ها یا روابط متناظر بین حوزه‌های مبدأ و مقصد، استعاره، «استعاره مفهومی» و «کلید مفهومی» اولویت دارد. به بیان وی «استعاره مفهومی» بیانی است رسمی درباره یک اندیشه که در صنایع ادبی مانند استعاره یا مجاز پنهان است و می‌تواند از تعدادی عبارت استعاری استنتاج گردد و «کلید مفهومی» از تعدادی استعاره مفهومی استنتاج می‌شود و می‌توان آن را استعاره‌ای سطح بالاتر برشمرد که بیانگر نحوه ارتباط استعاره‌های مفهومی متعدد با یکدیگر است. بنابراین استعاره‌های مفهومی و کلیدهای مفهومی بیانگر انگیزه استعاره‌های خاص سطح بالاترند. آنها بیانگر نوع ایده‌های مرتبط با حوزه مبدأ هستند که قرار است به حوزه مقصد استعاری انتقال یابد. او رابطه بین استعاره و استعاره مفهومی و کلید مفهومی را به صورت یک الگوی مفهومی با مثالی از گزارش‌های ورزشی نشان داده است که به درک روابط مفهومی مذکور کمک می‌کند. به اعتقاد وی استعاره مفهومی ورزش جنگ است، ناسازگار است و این ناسازگاری با کلید مفهومی «ورزش، تلاش برای بقاست» حل می‌شود (همان). در این قسمت الگوی مفهومی چارتریس‌بلک برای درک بهتر مطالب ذکر شده ارائه شده است.

با توجه به تعابیر گوناگون برای یک استعاره، چارتریس‌بلک تعاریف استعاره را در جهت زبانی، شناختی و کاربردشناختی مطرح می‌کند و معتقد است استعاره ممکن است به بسیاری از ویژگی‌های ذکر شده به درجات مختلف اشاره کند (پناه‌پور ۱۳۹۸: ۳۳). در معیارهای زبانی استعاره با استفاده از روال‌های زیر موجب تنش معنایی می‌گردد: ۱.

تجسم شامل اشاره به چیزی انتزاعی با استفاده از کلمه یا عبارتی که به چیز عینی اشاره می‌کند. ۲. تشخیص اشاره به چیزی غیر جاندار با کلمه یا عبارتی که به جاندار ارجاع دارد. ۳. تشخیص زدایی ارجاع به چیزی جاندار با کلمه یا عبارتی که اشاره به غیر جاندار می‌کند.



نمودار ۱. الگوی مفهومی استعاره‌های مبارزه و بقا (پناه‌پور، ۱۳۹۸: ص ۱۷۳)

معیارهای کاربردشناختی: در واقع استعاره به هر گونه بازنمایی ناهمخوانی زبان اطلاق می‌شود که به هدف زیربنایی ترغیب و اقناع مخاطب صورت گرفته تا قضاوت و نظراتشان را تحت تأثیر قرار دهد. این هدف اغلب پوشیده است و نیت گویندگان در بافت‌های کاربردی خاص را انعکاس می‌دهد. در معیارهای شناختی، چارتریس‌بلک (همان) معتقد است اساس تغییر در نظام مفهومی که استعاره را شکل می‌دهد، وجود رابطه، تداعی‌های روان‌شناختی یا ویژگی‌های مصداق یک عبارت زبانی در بافت مبدأ اصلی و در بافت مقصد جدید است. این رابطه یا تداعی معمولاً مبتنی بر شباهت‌هایی از قبل نامشهود، میان مصداق‌ها در آن بافت‌هاست. وی تحلیل انتقادی استعاره را با ذکر هدف از تحلیل گفتمان انتقادی مطرح می‌کند و هدف آن را آشکارسازی انگیزه‌های سیاسی و ایدئولوژیکی می‌داند و مدعی است تحلیل استعاره یکی از راه‌های رسیدن به

چنین هدفی است. چارتریس بلك با بیان اینکه استعاره یکی از آن انتخاب‌های آگاهانه زبانی است که فرایندهای اجتماعی زیربنایی را پنهان می‌سازد، تحلیل استعاره را عامل مؤثر در شناسایی محتوای متنی می‌داند. در این راستا وی چهار کلیدواژه را مطرح می‌کند که بر اساس سه معیار زبانی و کاربردشناختی و شناختی فراهم شده‌اند و تعاریف زیربنایی در رویکرد او هستند: ۱) «استعاره»: بازنمودی زبانی است و حاصل انتقال کاربرد واژه یا عبارت از بافت یا حوزه‌ای به بافت یا حوزه‌ای دیگر است و این امر می‌تواند ایجاد تنش معنایی را به دنبال داشته باشد. ۲) «استعاره متعارف»: این نوع استعاره معمولاً مورد استفاده در یک جامعه زبانی و پذیرفته شده است؛ از این رو آگاهی ما به تنش معنایی آن کاهش می‌یابد. ۳) «استعاره بدیع»: در این نوع، استعاره قبلاً در یک جامعه زبانی جا نیفتاده و استفاده نشده است و آگاهی ما از تنش معنایی آن افزایش می‌یابد. ۴) «استعاره مفهومی»: جمله‌ای است که تنش معنایی مجموعه‌ای از استعاره‌ها را با نشان دادن رابطه بین آنها حل می‌کند.

وی در ادامه می‌افزاید کلید مفهومی جمله‌ای است که تنش معنایی مجموعه‌ای از استعاره‌های مفهومی را با نشان دادن رابطه بین آنها حل می‌کند. او در تبیین و چرایی کاربرد پیکره در رویکرد تحلیل انتقادی استعاره توانایی بیشتر پیکره برای نظریه‌پردازی درباره زبان را عنوان می‌کند و پیکره را مجموعه گسترده‌ای از متن‌ها تعریف می‌کند که از کاربرد زبان طبیعی به دست می‌آید.

بر این اساس داده‌ها برای اثبات یک الگو به وجود نمی‌آیند، بلکه یک الگو از نمونه‌های بازنمایی شده از زبان پدیدار می‌شود. چارتریس بلك در تبیین زبان‌شناسی پیکره‌ای بررسی رویداد چندگانه واژه‌ها یا عبارت‌ها را نشان‌دهنده ظرایف و اشارات ضمنی می‌داند که در تجربه، آن واژه‌ها یا عبارت‌ها به صورت فردی ممکن است آشکار

نباشند. وی با بیان اینکه نمونه‌های واقعی کاربرد استعاره در بافت از پیکره استخراج می‌شود، این نمونه‌ها می‌توانند در ارائه تفسیرهایی از نقش استعاره در یک حوزه گفتمانی خاص نقش اساسی داشته باشند (همان، ص ۵۰-۱۵).

در قسمت پیش رو به ارائه روش انجام پژوهش حاضر و شیوه تحقیق بر اساس مبنای نظری مذکور پرداخته شده است.

ج) تحلیل انتقادی استعاره

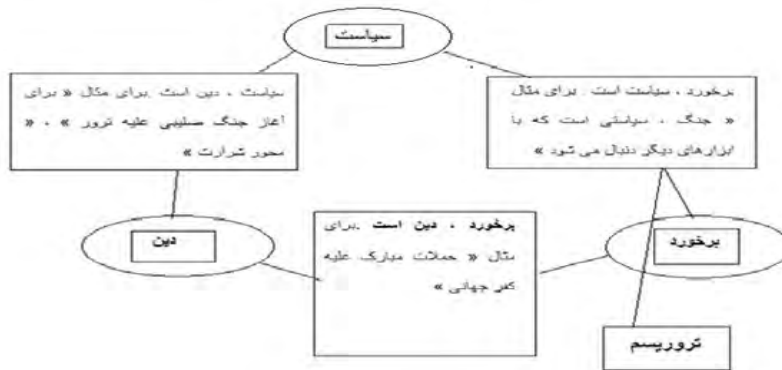
رویکردی برای تحلیل استعاره است که هدفش بیان مقاصد ضمنی و ناخودآگاه کاربران زبان است. چارتریس بلک مبنای روش‌شناسی به کاررفته در رویکرد خود را در سه مرحله تشخیص (Identification)، تفسیر (Interpretation) و تبیین (Explanation) قرار داده که خود مبتنی بر زبان‌شناسی نقش‌گرایی هالیدی (۱۹۸۵) و به ترتیب مرتبط با معنای اندیشگانی (Ideational) و بینافردی و متنی (Textual) است (پناه‌پور، ۱۳۹۸، ص ۶۱). وی تشخیص استعاره را مبتنی بر شناسایی وجود استعاره‌ها در یک متن و تنش بین حوزه مبدأ تحت‌اللفظی و حوزه مقصد استعاری می‌داند که شامل دو مرحله است. مرحله اول مستلزم خوانش دقیق متن به منظور شناسایی استعاره‌هاست و در مرحله بعد بافت پیکره‌ای برای تعیین تحت‌اللفظی یا استعاری بودن کاربرد کلیدواژه بررسی می‌شود. تفسیر استعاره مستلزم ایجاد رابطه بین استعاره‌ها و عوامل کاربردشناختی و شناختی است که استعاره‌ها را تعیین می‌کنند و شامل تشخیص استعاره‌های مفهومی و کلیدهای مفهومی است.

لازمه تبیین استعاره‌ها تشخیص عوامل اجتماعی است که در تولید و نقش اجتماعی استعاره‌ها در ترغیب مخاطب دخیل‌اند. شکل‌گیری استعاره‌های مفهومی و کلیدهای مفهومی و توصیف ارزش‌گذاری استعاره‌ها، ترغیب‌کنندگی استعاره‌ها را تبیین می‌کنند.

تحلیل انتقادی استعاره، روشی برای آشکارسازی ایدئولوژی‌ها، نگرش‌ها و باورهای زیربنایی است و بنابراین ابزاری حیاتی برای درک و مفهوم بیشتر روابط پیچیده بین زبان، اندیشه و بافت اجتماعی در اختیار می‌گذارد (همان).

چارتریس بِلک (همان، ص ۵۹) با تبیین اینکه شناسایی استعاره‌ها و رمزگشایی از مفاهیم آنها محور اصلی در آشکارشدن نقش اقناعی زیربنایی می‌باشد که اغلب واضح و شفاف نیست، نگرش شناختی-انتقادی (cognitive critical framework) نسبت به زبان را مطرح می‌کند؛ بدان معنا که مفهوم هوشیاری نسبت به چگونگی عملکرد اقناعی زیربنایی در انتخاب واژه‌های خاص، تعابیر مخاطبان متن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. وی با این رویکرد برای نشان‌دادن اهمیت نقش استعاره در بسط ایدئولوژی در حوزه‌هایی مانند سیاست و دین، به تبیین استعاره‌ها در متونی از این دست و حتی متون مطبوعاتی و اقتصادی پرداخته است.

چارتریس بِلک (همان) برای تبیین رویکرد کاربردی خود و روشن‌ترشدن رابطه بین حوزه‌های مفهومی آنها را در نموداری نشان می‌دهد که بر اساس سخنرانی‌های سیاسی بعد از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ ارائه کرده که در نمودار ۲ نشان داده شده است. این نمودار سه حوزه را نشان می‌دهد: حوزه‌های سیاست، دین و جنگ؛ همچنین شواهدی از سه مفهوم‌سازی زیربنایی را نمایش می‌دهد که استعاره‌اند؛ زیرا رابطه بین این حوزه‌ها را از طریق تغییر کاربرد واژه‌ها از بافتی به بافت دیگر به وجود می‌آورند. این تغییر مفهومی که از استعاره به دست آمده است، به پیدایش مفهومی جدید از تروریسم کمک می‌کند که آن مفهوم هر سه حوزه را به هم مرتبط می‌سازد (همان).



نمودار ۲. استعاره مفهومی وایدئولوژی: مفهوم‌سازی رتوریک متعارض «تروریسم» درباره حمله ۱۱ سپتامبر

رویکردی که چارتریس بلک از استعاره‌ها و تحلیل انتقادی آنها ارائه می‌دهد، آشکار ساختن ابعاد کاربردشناختی بر مبنای ایدئولوژیک آنهاست. بر مبنای این نگرش متفاوت به استعاره‌ها و کاربرد آنها می‌توان متون بسیاری را در این چارچوب ارزیابی کرد و به حقایق وسیع‌تر از شناسایی صنف استعاره‌ها دست یافت. از این منظر آنچه در تحلیل استعاره‌ها و کشف روابط بین حوزه‌های معنایی مهم می‌نماید، رونمایی از نقش اقناعی‌شان در ترغیب مخاطب برای تحت تأثیر قراردادن تعبیر مخاطبان از متن است؛ به این معنا که چه بگوییم و چگونه بگوییم تا مخاطب همان گونه که اراده و منظور ماست، برداشت کند. به عقیده چارتریس بلک تحلیل انتقادی به استعاره، بیشترین کاربرد را در بسط ایدئولوژی در حوزه‌های سیاست و دین دارد. حوزه سیاست ساخته و پرداخته افراد بشر و حوزه دین در متون کتب مقدس مانند قرآن، کلام خداوند است. حوزه اول در جهت ترغیب مخاطب به نفع گویندگان یا نویسندگان و حوزه دوم در تلاش برای اقناع مخاطب به منظور دستیابی به گنجینه تعالیم الهی و با هدف رستگاری افراد بشر است. با توجه به کارایی این رویکرد در متون مختلف، تحقیق حاضر بر آن است استعاره‌های مفهومی در قرآن کریم را که در پژوهش‌های بسیاری با

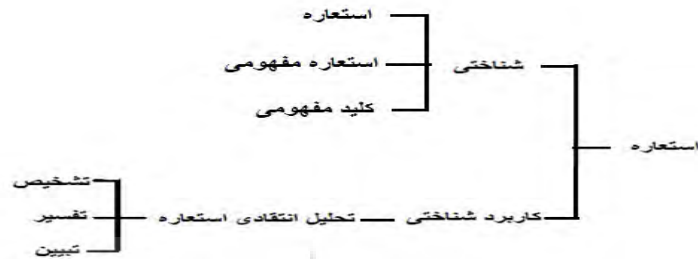
رویکردهایی متفاوت به استعاره مورد تحلیل قرار گرفته‌اند، بر اساس رویکرد تحلیل انتقادی استعاره مورد ارزیابی قرار دهد. در این راستا، ابتدا استعاره‌های مفهومی و کلیدهایی مفهومی واژه هدایت در دوازده جزء آخر قرآن کریم، با ارزیابی استعاره‌های به‌کاررفته از این واژه در قرآن جمع‌آوری شد و سپس به تبیین ابعاد انتقادی تحلیل استعاره‌های این واژه با توجه به متون قبل و بعد آن پرداخته شده است تا ابعاد مختلف نقش اقناعی استعاره‌های واژه هدایت و تعبیر مختلف آن آشکار شود. انگاره کلی زیر با توجه به تحقیقات نگارندگان از رویکرد چارتریس‌بلک به استعاره و ابعاد تحلیل انتقادی استعاره به طور خلاصه نشان داده شده تا به درک بیشتر این مفاهیم کمک نماید.

نمودار ۳. انگاره کلی استعاره بر اساس رویکرد چارتریس‌بلک (۲۰۰۴)



چارتریس‌بلک در معرفی رویکرد خود به استعاره‌ها سه معیار «زبانی» و «زبان‌شناختی» و «کاربردشناختی» را معرفی کرده است که هر کدام مفاهیم مختلفی را در این نگرش وسیع شامل می‌شوند. با توجه به گستردگی مفاهیم در این سه بخش در پژوهش حاضر به بررسی استعاره‌ها، استعاره‌های مفهومی و کلیدهایی مفهومی در معیار

شناختی و تحلیل انتقادی استعاره در معیار کاربردشناختی پرداخته شده است که این تقسیم‌ها در نمودار زیر به عنوان انگاره مبنای نظری پژوهش حاضر نشان داده شده‌اند.



نمودار ۴. انگاره مبنای نظری پژوهش حاضر بر اساس رویکرد چارتریس‌بلک (۲۰۰۴) به استعاره

د) روش انجام پژوهش

در پژوهش حاضر مفاهیم استعاری واژه هدایت در دوازده جزء آخر قرآن و در ۲۴ آیه که واژه هدایت در آنها به کار رفته بود، بررسی و کاویده شد. استعاره‌های مفهومی و کلیدهای مفهومی در ارتباط با واژه هدایت در این آیه‌ها بر اساس رویکرد انتقادی به استعاره از چارتریس‌بلک (۲۰۰۴) ارزیابی گردیده و در قالب دو جدول شامل ۲۴ آیه ارائه شده است. در هر جدول استعاره‌های مفهومی و کلیدهای مفهومی مرتبط با حوزه هدایت به صورت جداگانه نشان داده شده‌اند. به دنبال هر جدول توضیحات مرتبط با آن بر اساس رویکرد انتقادی به استعاره بر اساس چارتریس‌بلک (۲۰۰۴) که مبنای رویکرد خود را در سه مرحله تشخیص، تفسیر و تبیین قرار داده، آورده شده است. به دلیل تشابه در استعاره‌ها و کلیدهای مفهومی و محدودیت ابعاد مقاله از توضیح برخی آیه‌ها خودداری گردیده است.

انتخاب رویکرد چارتریس‌بلک به دلیل بدیع بودن آن در بررسی استعاره‌ها و نیز با توجه به رویکرد انتقادی مطرح در آن به استعاره است که هیچ پژوهش دیگری در این

زمینه خصوصاً در آیه‌های قرآنی بر آن مبنا به انجام نرسیده است. انتخاب واژه «هدایت» به عنوان یکی از واژه‌های پرکاربرد قرآن نیز به سبب گستردگی مفهوم این واژه در انگیزتگی استعاره‌های مفهومی و کلیدهای مفهومی مرتبط با حوزه‌های مختلف است.

ه) تحلیل داده‌ها

در این بخش به تحلیل داده‌های پژوهش در چارچوب رویکرد انتقادی به استعاره پرداخته شده است و بدین منظور تمامی آیه‌های حاوی واژه «هدایت» در دوازده جزء آخر قرآن شناسایی و ۲۴ آیه از این آیات انتخاب شده‌اند. به دنبال آن استعاره‌های مفهومی و کلیدهای مفهومی مرتبط با آنها بر اساس رویکرد انتقادی به استعاره تعیین و در طی دو جدول شامل متن اصلی آیات همراه با ترجمه آنان آورده شده است. به دلیل محدودیت ابعاد مقاله به آیات با موضوعات مشابه پرداخته نشده است.

مجموعه حوزه‌های مفهومی حاصل از بررسی استعاره‌ها و کلیدهای مفهومی مرتبط با حوزه «هدایت» در پیکره قرآنی مورد بررسی مشتمل بر ۱۴ مورد گردیده است که عبارت‌اند از: ۱- دین، ۲- سفر، ۳- آگاهی، ۴- توحید، ۵- نور، ۶- وحی، ۷- اختیار، ۸- درمان، ۹- تقوی، ۱۰- دآوری، ۱۱- تلاش، ۱۲- پاداش، ۱۳- شرایط آب و هوایی، ۱۴- تکوینی‌بودن (آفرینش).

موارد فوق با بررسی و تحلیل استعاره‌ها و کلیدهای مفهومی مرتبط با هر آیه و آیات قبل و بعد از آن به دست آمده است. در این راستا شایان ذکر است که گستره‌ای مفهومی از استعاره‌ها و کلیدهای مفهومی منتج از واژه‌های به‌کاررفته از آیات، باعث برانگیخته‌شدن یک حوزه مفهومی عمده می‌شوند. این حوزه مفهومی عمده، حوزه اصلی در آن زمینه می‌باشد و تمامی مفاهیم و استعاره‌ها و کلیدهای مفهومی مرتبط را پوشش می‌دهد؛ برای نمونه استعاره‌های مفهومی «قرآن هدایت است»، «دین هدایت است»،

«توحید هدایت است» و «ایمان هدایت است»، با واژه‌های «قرآن»، «نماز»، «پیامبر»، «وحي»، «زکات»، «اسلام»، «ایمان» و «توحید» در آیات قرآنی تفهیم شده‌اند و باعث برانگیخته شدن حوزه مفهومی عمده «دین» می‌شوند که تمام مفاهیم را در این زمینه پوشش می‌دهد.

تمامی این ۱۴ حوزه و استعاره‌ها و کلیدهای مفهومی که موجب ترغیب مخاطب به پذیرش استعاره می‌شوند، در جدولهای ۱ و ۲ در مقاله تحلیل گردیده و جمع‌بندی کلی آنان در قسمت نتیجه‌گیری مقاله آورده شده است.

در تحلیل مباحث، ذیل هر جدول توضیحات مربوط به هر یک از استعاره‌ها و کلیدهای مفهومی آنان آورده شده و حوزه‌های مفهومی مرتبط با آنان که موجب برانگیخته شدن کلیدهای مفهومی در هر آیه است، تشریح گردیده است.

جدول ۱. استعاره‌های مفهومی و کلیدهای مفهومی واژه «هدایت» در قرآن کریم

از سوره نمل تا سوره فصلت

آیات و ترجمه فارسی آنها	استعاره مفهومی	کلید مفهومی
هُدًى وَ بُشْرًى لِّلْمُؤْمِنِينَ: که [وسیله] هدایت و بشارت برای اهل ایمان است (نمل: ۲)	قرآن هدایت است.	دین هدایت است
وَجَدْتَهَا وَ قَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِن دُونِ اللَّهِ وَ زِينَهُ لَّهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالُهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ: آن زن و قومش را چنین یافتم که به جای خدا برای خورشید سجده می‌کنند و شیطان اعمالشان را در نظرشان آراسته، پس آنان را از راه [حق] بازداشته و آنان هدایت نمی‌شوند (نمل: ۲۴)	توحید هدایت است.	زندگی معنوی سفر است.
وَ مَا أَنْتَ بِهَادِي الْعَمَىٰ عَن ضَلَالَتِهِمْ إِنْ تَسْمَعُ إِلَّا مَن	پیامبر هدایت‌گر	دین مایه آگاهی

<p>معنوی است.</p>	<p>است/ بینایی و شنوایی معنوی هدایت است. ایمان هدایت است/ تسلیم هدایت است.</p>	<p>يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ: تو هدایت کننده کوران از گمراهی شان نیستی؛ تو فقط می توانی سخن خود را به گوش کسانی برسانی که به آیات ما ایمان آورده اند و در برابر حق تسلیم اند (نمل: ۸۱).</p>
<p>هدایت اعطایی خداوند است.</p>	<p>خداوند هدایت گر مطلق است. پیامبر هدایت گر است.</p>	<p>إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ: ای پیامبر، همانا تو نمی توانی هر که را دوست داری هدایت کنی [و به مقصد برسانی] بلکه این خداوند است که هر کس را بخواهد هدایت می کند و او به ره یافتگان آگاه تر است (قصص: ۵۶)</p>
<p>زندگی معنوی سفر است.</p>	<p>خداوند هدایت گر است./ راه خدا هدایت است. جهاد در راه خدا هدایت است.</p>	<p>و الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ: و کسانی که در راه ما جهاد کردند، راه های [قرب به] خود را به آنان نشان خواهیم داد و همانا خداوند با نیکوکاران است (عنکبوت: ۶۹)</p>
<p>زندگی معنوی سفر است.</p>	<p>هدایت مرکب است/ خداوند هدایت گر است.</p>	<p>أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ: آنان بر هدایتی از پروردگارشان هستند و هم آنان اند رستگاران (لقمان: ۵)</p>
<p>آزادی انتخاب هدایت است.</p>	<p>هدایت متعلق مردم است. خداوند هدایت گر است./ اختیار هدایت است.</p>	<p>وَ إِذْ قَالَ لِقْمَانَ لِبَنِهِ وَ هُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ: و [یاد کن] زمانی که لقمان به پسرش در حال موعظه او گفت: فرزندم، چیزی را همتای خدا قرار نده، زیرا که شرک [به خدا] قطعاً ستمی بزرگ است (سجده: ۱۳)</p>
<p>هدایت الهی</p>	<p>خداوند هدایت گر</p>	<p>أَفَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَآهُ حَسَنًا فَإِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ</p>

پاداشی برای نیکوکاران است.	است.	<p>يَشَاءُ وَيُهْدِي مَنْ يَشَاءُ فَلَا تَذْهَبْ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسْرَاتٍ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ: پس آیا کسی که عمل بدش برای او آراسته شده و آن را نیکو می‌بیند، [مانند کسی است که هدایت یافته است] پس بدون شک خداوند هر که را بخواهد [و سزاوار بداند] گمراه می‌کند و هر که را بخواهد [و شایسته بداند] هدایت می‌نماید، پس مگذار به خاطر حسرت بر آنان جانت از دست برود، زیرا خداوند به آنچه انجام می‌دهند، آگاهی کامل دارد (فاطر: ۸).</p>
تلاش در راه خدا بدون توقع پاداش هدایت است.	پیامبران هدایت‌گر است. / توحید هدایت است.	<p>اتَّبِعُوا مَنْ لَا يَسْئَلُكُمْ أَجْرًا وَ هُمْ مَهْتَدُونَ: از کسانی که پاداشی درخواست نمی‌کنند و خود هدایت یافته‌اند، پیروی کنید (یس: ۲۱)</p>
حیات معنوی، محکمه قضاوت خداوند است.	<p>الله هدایت‌گر است. توحید هدایت است. داوری هدایت است. بندگی هدایت است. دین خالص هدایت است.</p>	<p>أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ وَ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ: آگاه باشید که دین خالص مخصوص خداوند است و کسانی که به جای خداوند معبودهایی را برگزیدند [و در توجیه کار خود گفتند] ما آنها را نمی‌پرستیم مگر برای آنکه ما را هرچه بیشتر به خدا نزدیک کنند، همانا خداوند درباره آنچه آنان بر سر آن اختلاف می‌کنند، میانشان داوری خواهد کرد. البته خداوند کسی را که دروغگوی کفران‌پیشه است هدایت نمی‌کند (زمر: ۳)</p>
دین هدایت است.	الله هدایت‌گر است.	<p>اللَّهُ نَزَلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَانِيَ تَقْشَعْرُ مِنْهُ جُلُودَ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَ قُلُوبُهُمْ</p>

<p>فضل خدا هدایت است.</p>	<p>نرم و آرام شدن پوست و دل به یاد خدا هدایت است. قرآن هدایت است.</p>	<p>إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُضِلِّ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ: خداوند بهترین سخن را در قالب کتابی نازل کرد [که آیاتش] متشابه [و مشابه یکدیگر است] از [تلاوت آیات] آن پوست کسانی که از پروردگارشان می‌ترسند، به لرزه می‌افتد، سپس [با ایمان و انس] به یاد خدا پوست‌ها و دل‌های آنان نرم و آرام می‌شود، این است هدایت خداوند که هر که را بخواهد به آن هدایت می‌کند و هر که را خداوند [به سبب فسق و فسادش] گمراه نماید، پس هیچ هدایت‌کننده‌ای برای او نیست (زمر: ۳۳)</p>
<p>مجازات الهی شرایط آب و هوایی دشوار است.</p>	<p>خداوند هدایت‌گر است. آگاهی قلبی هدایت است.</p>	<p>وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُوا الْعَمَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ فَأَخَذَتْهُمُ صَاعِقَةُ الْعَذَابِ الْهُونِ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ: و اما قوم ثمود، آنان را هدایت کردیم، ولی کوردلی را بر هدایت ترجیح دادند، پس به کیفر آنچه کسب می‌کردند، صاعقه عذاب خفت‌بار آنان را فرو گرفت (فضلت: ۱۷).</p>

در آیه ۲ سوره مبارکه نمل، به ویژگی‌های مؤمنان اشاره شده است که عبارت است از نماز، زکات و ایمان به آخرت که از ارکان دین محسوب می‌شوند و می‌توان کلید مفهومی «دین هدایت است» را از این عبارات استنباط کرد. در آیه ۲۴ همین سوره مبارکه واژه سییل (راه) که از ابزارهای سفر محسوب می‌شود، تداعی‌کننده کلید مفهومی «زندگی معنوی سفر است» می‌باشد. در آیه ۸۱ این سوره، هدایت به نوعی بینایی و شنوایی جسمانی تشبیه شده است که از دو واژه «کوردلان» و «شناکردن» تفهیم می‌شود. بر این مبنا کلید مفهومی «دین مایه آگاهی معنوی است» می‌تواند

استعاره‌های مفهومی منتج از این آیه را به‌خوبی در سطح استعاری کلی‌تر پوشش دهد و منظور از آگاهی، بینایی و شنوایی معنوی است. در این آیه آگاهی معنوی با دو ابزار ایمان و تسلیم که خود با بیان استعاری از هدایت تبیین می‌شود، می‌تواند موجب ترغیب مخاطب به پذیرش دین شوند.

در آیه ۵۶ سوره مبارکه قصص، منظور از هدایت راهنمایی نیست، بلکه رساندن به هدف غایی است که در این آیه شامل ایمان قلبی می‌شود و خدای تعالی عهده‌دار آن است و صرفاً کار رسول نیست (طباطبایی، ۱۳۷۶، ج ۱۶، ص ۸۱).

در آیه ۶۹ سوره مبارکه عنکبوت، منظور از جهاد در راه خدا اموری است که متعلق به خداست. عبارت بعدی «سبلنا» (راه‌های ما) به معنای راه‌هایی است که به درگاه خداوند منتهی می‌شود و هدف از آن هدایت است که نشان می‌دهد در این آیه دو هدایت وجود دارد. یکی جهاد در راه خدا و دیگری هدایت به سبیل که از آن دو استعاره مفهومی منتج می‌شود و کلید مفهومی «زندگی معنوی سفر است»، از خود واژه سبیل که ابزار سفر است، برداشت می‌شود.

در آیه ۵ سوره مبارکه لقمان، عبارت «علی هدی» (بر هدایتی) استعاره مفهومی مرکب را به ذهن متبادر می‌سازد که از ملزومات سفر است.

در آیه ۱۳ سوره مبارکه سجده، از واژه هدیها (هدایتش) استعاره مفهومی هدایت متعلق به مردم است، برداشت می‌شود که اگر جبری بود مانند شیء یا کالا به مردم داده می‌شد، پس هدایت به اختیار مردم است. در آیه ۸ سوره مبارکه فاطر، هدایت به کسانی تعلق می‌گیرد که طبق آیه قبلی همین سوره ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند و این ایمان و عمل صالح آنها را مستعد می‌کند که مشغول هدایت خداوند شوند که خود پاداشی از جانب خداوند محسوب می‌شود.

در آیه ۲۱ سوره مبارکه یاسین، استعاره مفهومی «توحید هدایت است»، از دو آیه بعدی (۲۲ و ۲۳ همین سوره) استنباط می‌شود که دلیل بر توحید و دوری از شرک و تعدد خدایان می‌آورد و اینکه پیامبران هیچ اجر و پاداشی برای هدایت از مردم طلب نمی‌کنند، دلیل بر حقانیت دعوت آنها بر هدایت راستین است.

در آیه ۳ سوره مبارکه زمر نیز داوری به حق خداوند میان کسانی که بندگی خداوند را برگزیده‌اند و دین را برای او خالص کرده‌اند و کسانی که جز خدا سرپرستانی گرفته‌اند، به نوعی هدایت از جانب پروردگار محسوب می‌شود که از دو آیه قبل تفهیم می‌شود. مضمون این ۳ آیه به نوعی بندگی و پرستش خداوند با پیروی از دین خالص است؛ یعنی توحید و پرستش بری از هر گونه شرک به خداوند. در آیه ۲۳ سوره زمر حالت جمع شدن پوست از شنیدن قرآن و آن حالت سکونت پوست‌ها و قلب‌ها در مقابل یاد خدا، خود، هدایت خداست و خداوند با هدایت خود هر که از بندگانش را بخواهد، هدایت می‌کند. آن بندگانی که پذیرای اسلام بوده‌اند -طبق آیه قبل- و سرگرم کارهایی چون فسق و ظلم که مانع هدایت است، نشده‌اند. هدایت از فضل خداست نه اینکه چیزی آن را بر خدا واجب کرده باشد (همان، ج ۱۷، ص ۴۰۸).

در آیه ۱۷ سوره مبارکه فصلت، واژه کوردلی در نقطه مقابل هدایت به کار رفته است که گمراهی را نوعی کوربودن از لحاظ بینایی قلبی تلقی کرده و در واقع استعاره مفهومی «آگاهی قلبی هدایت است» را القا می‌کند. این استعاره در خودی خود و به صورت ناخودآگاه دستیابی به این پس زمینه ذهنی را فراهم می‌کند که هدایت نوعی بینایی قلبی و درونی است که عدم دریافت آن به مثابه کوری است که به نوعی عدم دید و غافل‌بودن از حقایق را به دنبال دارد و چون این کوری درونی را به عمد برگزیده‌اند، عذاب طبیعی که در اینجا صاعقه است، بر آنها فرود آمده که بدین وسیله آیه سعی در

نشان‌دادن عمق گمراهی قوم ثمود با حواس پنج‌گانه و مفهوم عذاب با حوادث طبیعی همچون صاعقه را دارد که در اینجا برخورداری از حواس حاوی معنایی مثبت و صاعقه حاوی معنای منفی است که کلید مفهومی «مجازات الهی شرایط آب و هوایی دشوار است» را تفهیم می‌کند (پناه‌پور، ۱۳۹۸، ص ۲۷۵).

جدول ۲. استعاره‌های مفهومی و کلیدهای مفهومی واژه «هدایت» در قرآن کریم

از سوره فصلت تا سوره لیل

کلید مفهومی	استعاره مفهومی	آیات و ترجمه فارسی آنها
دین درمانگر معنوی است. دین آگاهی معنوی است.	قرآن هدایت است. بینایی معنوی هدایت است. شنوایی معنوی هدایت است.	و لَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْ لَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ أَعْجَمِيًّا وَعَرَبِيًّا قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَشَفَاءٌ وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرٌ وَهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى أُولَئِكَ يُنَادُونَ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ: و اگر ما قرآن را عجمی قرار داده بودیم، حتماً می‌گفتند «چرا آیات آن باز و روشن نشده [و با تعجب می‌پرسیدند] آیا [قرآن] اعجمی و [مخاطب آن پیامبر و مردم] عربی؟» بگو «این قرآن برای کسانی که ایمان آوردند هدایت و شفایی است و کسانی که ایمان نمی‌آورند، در گوش‌هایشان سنگینی است و قرآن برای آنان مایه کوری است، [گویی] آنان از راه دور ندا می‌شوند [ولی صدا را نمی‌شنوند] (فصلت: ۴۴)
پیروی از دین خدا بر خلاف آیین پیشینان هدایت است.	دین هدایت است. پیامبر هدایت‌گر است.	قَالَ أَوْ لَوْ جِئْتُمْ بِأَهْدَىٰ مِمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ آبَاءُكُمْ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ: [پیامبرشان] گفت: آیا اگر آیینی هدایت‌بخش‌تر از آنچه پدرانتان را بر آن یافتید، برایتان بیاورم [حاضرید دست از راه نیاکان

		بردارید]، گفتند: ما به آنچه بدان فرستاده شده‌اید، کافریم (زخرف: ۲۴).
زندگی معنوی سفر است.	بهبست هدایت است الله هدایت‌گر است. شهادت در راه خدا هدایت است.	سَيَهْدِيهِمْ وَيُصَلِّحُ بِالْهَمِّ: خداوند به زودی آنان را [به سوی مقامات والا] هدایت می‌کند و حال و کارشان را نیکو می‌گرداند (محمد: ۵)
درجه هدایت اعلای هدایت است.	خداوند هدایت‌گر است. توحید هدایت است / دین هدایت است.	وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَآتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ: و کسانی که هدایت یافته‌اند، خداوند هدایتشان را بیفزاید و روح پرهیزگاری به آنان عطا کند (محمد: ۱۷)
زندگی معنوی سفر است.	پیروزی هدایت است. الله هدایت‌گر است. وعده پاداش هدایت است. اخبار غیبی هدایت است. اعتماد و توکل به خدا هدایت است.	وَعَدَكُمْ اللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا فَعَجَّلَ لَكُمْ هَذِهِ وَكَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنْكُمْ وَ لَتَكُونَ آيَةً لِلْمُؤْمِنِينَ وَ يَهْدِيكُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا: خداوند غنیمت‌های بسیاری به شما وعده داده است که آنها را خواهید گرفت، پس این [غنایم خبیر] را زودتر برای شما فراهم ساخت و دست مردم را از [تعرض بر] شما بازداشت، تا برای مؤمنان نشانه [و عبرتی] باشد و شما را به راهی راست، هدایت کند (فتح: ۲۰)
حیات	موسی	إِنَّ هِيَ إِلَّا أَسْمَاءُ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَ آبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ

<p>معنوی حرکت در مسیر هدف است.</p>	<p>هدایت‌گر است. ترس از خدا هدایت است.</p>	<p>بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَ مَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ وَ لَقَدْ جَاءَهُمْ مِنَ رَبِّهِمُ الْهُدَى: این بت‌ها جز نام‌هایی بیش نیستند که شما و پدران‌تان نام‌گذاری کرده‌اید. خداوند هیچ‌گونه برهانی [بر حقانیت آنها] نفرستاده است. [مشرکان] جز گمان و آنچه دلخواهشان است پیروی نمی‌کنند، در حالی که از سوی پروردگارشان هدایت به سراغشان آمده است (نجم: ۲۳)</p>
<p>زندگی معنوی سفر به سوی سعادت اخروی است.</p>	<p>یقین هدایت است. یاد خدا هدایت است/ معاد هدایت است.</p>	<p>ذَلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ اهْتَدَى: آن، آخرین درجه از علم و شناخت آنان است. همانا پروردگار تو کسانی را که از راه او گمراه شده‌اند، بهتر می‌شناسد و کسانی را که هدایت یافته‌اند، بهتر می‌داند (نجم: ۳۰)</p>
<p>الله نور است.</p>	<p>دین حق هدایت است. اسلام هدایت است. هدایت نور است.</p>	<p>هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ: او کسی است که پیامبرش را همراه با هدایت و دین حق [به سوی مردم] فرستاد تا آن را بر همه ادیان غالب سازد، گرچه مشرکان آن را خوش نداشته باشند (صاف: ۹)</p>
<p>حیات معنوی مبارزه برای رستگاری است.</p>	<p>ایمان هدایت است. الله هدایت‌گر است.</p>	<p>مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ مَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ لَهُ اللَّهُ وَبِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ: هیچ مصیبتی جز با اذن خداوند به کسی نرسد و هر کس به خداوند ایمان آورد، خداوند قلب او را [به صبر و شکیبایی] هدایت کند و خداوند به همه چیز آگاه است (تغابن: ۱۱)</p>
<p>زندگی معنوی سفر است.</p>	<p>خداوند هدایت‌گر است.</p>	<p>إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَ إِمَّا كَفُورًا: به راستی ما راه [حق] را به او نمایانیم، خواه شاکر [و پذیرا]</p>

باید یا ناسپاس (انسان: ۳)	بینایی و شنوایی معنوی هدایت است.	آگاهی معنوی توأم با اختیار هدایت است.
وَ الَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى: همان که آفرید و سامان بخشید (اعلی: ۳)	خداوند هدایت گر است. تقدیر هدایت است.	آفرینش هدایت است.
إِنَّا عَلَيْنَا لِلْهُدَى: همانا هدایت [مردم] بر عهده ماست (لیل: ۱۲)	خداوند هدایت گر است. نیکی هدایت است/ انفاق هدایت است.	تلاش برای هدف معنوی ارزشمند است.

در آیه ۲۴ سوره مبارکه زخرف، مفهوم هدایت به صورت مقایسه‌ای با آنچه طبق آیه، اقوام در پیروی از پداران خود هدایت می‌پنداشتند، بیان شده که هدایت در پیروی از پیشینیان دارای ارزش منفی و هدایت به خدا و پیامبران دارای ارزش مثبت است.

در آیه ۵ سوره مبارکه محمد منظور از هدایت راهنمایی به مقامات عالی بهشتی است که پس از شهادت به آن خواهند رسید؛ پس استعاره «شهادت در راه خدا هدایت است» مفهوم می‌شود که با توجه به آیه قبلی می‌توان آن را تبیین کرد و چون واژه سبیل نیز در این آیه به کار رفته، کلید مفهومی «زندگی معنوی سفر است» را می‌توان نتیجه گرفت. در آیه ۱۷ همین سوره مبارکه، هدایت در مفهوم استعاری آن دارای درجات معرفی شده که پس از افزایش در آن به مرحله تقوا می‌رسد که مخصوص نیکوکاران و کسانی است که هدایت‌پذیر شده‌اند و عکس آن برای کسانی است که در ظاهر هدایت را پذیرفته‌اند؛ ولی در باطن از هوس‌های خود پیروی می‌کنند که از این دو آیه و آیات

قبل ابعاد گوناگون هدایت که توحید و دین است، استفهام می‌شود.

آیه ۲۰ سوره مبارکه فتح، پیروزی در جهاد و غنیمت‌هایی را که در آینده نصیب مؤمنان خواهد شد و وعده خداوند بر این پیروزی و غنایم را نوعی هدایت برای افراد بشر خصوصاً مؤمنان برمی‌شمرد و آیه ۱۸ این وعده پیروزی نزدیک را مایه آرامش قلبی مؤمنان می‌داند و باور مؤمنان به این پیروزی و غنایم را نشانه‌ای برای هدایت در راه راست می‌داند؛ پس استعاره‌های مفهومی «وعده پاداش هدایت است» و «اعتماد و توکل بر خدا هدایت است» و «اخبار غیبی هدایت است» برانگیخته می‌شوند.

در آیه ۲۳ سوره مبارکه نجم، منظور از نام‌ها همان بت‌هایی است که در دوره جاهلی مورد پرستش اعراب بوده، آنها را گمان و هوس می‌نامد و هدایت را با فعل آمدن به کار می‌برد که منظور همان قرآن است که در آیه ۱۰ به صراحت به آن اشاره شده است. با توجه به کاربرد وحی و قرآن از یک سو و نام بتان از سوی دیگر استعاره مفهومی «توحید هدایت است» را می‌توان عنوان کرد که در کل کلید مفهومی «دین هدایت است» از آن منتج می‌شود. آیه ۳۰ نیز در ادامه همین مطالب یاد خدا و ایمان به آخرت را دلیل هدایت می‌داند و چون واژه سبیل به معنای «راه» همراه با هدایت به کار رفته، کلید مفهومی «زندگی معنوی سفر به سوی سعادت اخروی است» مفهوم می‌شود. در آیه ۷ و ۹ سوره مبارکه صف، در ادامه آیات قبلی اشاره صریح به پیامبران اولوالعزم بعد از حضرت موسی شده است و از اسلام به عنوان هدایت و آیین درست (دین حق) نام برده شده و در آیه ۸ با کاربرد واژه نور به عنوان نور خدا مفهوم استعاری «هدایت نور است» تفهیم می‌شود. «یک بعد از استعاره نور این است که نور می‌تواند از دوردست‌ها مشاهده شود و منبع هدایت برای انسان‌های گم‌گشته باشد؛ بنابراین آن نور و به طور مجازی آن ابزاری که -مانند شمع- نور را فراهم می‌کند، استعاره‌ای از هدایت

معنوی است. به همین ترتیب تاریکی نیز استعاره‌ای برای فقدان هدایت معنوی است» (پناه‌پور، ۱۳۹۸، ص ۲۴۰). در این آیات نور استعاره‌ای از هدایت‌گری است که در اینجا دین اسلام و قرآن است و خاموش کردن نور استعاره گمراهی و ضلالتی را که کافران دچار آن هستند، تفهیم می‌کند که از هدایت بی‌بهره‌اند. پس استعاره مفهومی «الله نور است» به طور کلی می‌تواند شامل تمام استعاره‌های مفهومی در این آیات باشد.

در آیه ۱۱ سوره مبارکه تغابن در ادامه آیات ۹ و ۱۰ که اشاره به پاداش و جزای مؤمنان و کافران شده، ایمان به خدا را هدایت می‌داند و مصیبت‌ها و بلاهایی را که انسان درگیر آن می‌شود، در مسیر این هدایت بخشی معرفی می‌کند؛ اعم از بلاهایی مانند زلزله و طوفان که انسان در آنها هیچ نقشی ندارد و برای تربیت انسان بوده و معلول گناه یا اعمال انسان نیست یا بلاهایی که انسان در به وجود آمدن آن نقش دارد، مانند ظلم و ترک ایمان و غیره که برای تنبیه کافران است (بهرام‌پور، ۱۳۹۶، ص ۵۵۷). پس در نوع اول مصائبی که ذکر شد، استعاره مفهومی «صبر در مصائب هدایت است» برانگیخته می‌شود و کلید مفهومی «زندگی معنوی مبارزه برای رستگاری است» تفهیم می‌گردد که بلاها و مصیبت‌ها و جزا و پاداش پس از این فراز و نشیب‌ها در طول زندگی انسان، حوزه‌های اقتناعی در ترغیب مخاطب به پذیرش هدایت محسوب می‌شوند.

در آیه ۳ سوره مبارکه انسان، شنوایی و بینایی معنوی عامل هدایت انسان معرفی شده است که تفصیل آن در آیات قبلی انجام شد؛ همچنین در آیه اشاره به اختیار انسان می‌کند و پذیرش هدایت را در حوزه اختیارات انسان می‌داند که یا می‌پذیرد و سپاس‌گزار است یا نمی‌پذیرد و کفران می‌کند که کلید مفهومی «آگاهی معنوی توأم با اختیار هدایت است» را تفهیم می‌کند؛ یعنی انسان با توجه به آگاهی معنوی که همان بینایی و شنوایی است و خداوند به او اعطا کرده، می‌تواند هدایت را بپذیرد یا قبول نکند

و سر پیچد. این همان حوزه اقناعی است که مخاطب را با توجه به مجهز شدن از طرف خداوند به قوای ادراکی معنوی، دارای اختیار تام می‌داند.

در آیه ۳ سوره مبارکه اعلی، آفرینش انسان و تقدیر موجب برانگیختن استعاره‌های مفهومی «تقدیر هدایت است» و «آفرینش هدایت است» می‌شوند؛ به این مضمون که خداوند برای هر موجودی کمالی مقدر کرده و برای رسیدن به آن زمینه را فراهم نموده و با هدایت تکوینی آن را مجهز کرده است (همان، ص ۵۹۱)؛ پس خلقت انسان و تعیین کمال مقدر برای او از طرف خداوند نوعی هدایت است و این گونه بیان استعاری آن در حوزه هدایت نقش اقناعی و برانگیزاننده را در پذیرش هدایت از طرف انسان دارد.

آیه ۱۲ سوره مبارکه لیل، خداوند را عامل هدایت می‌شمرد و در آیات قبل اشاره مستقیم به انفاق و تقوا و نیکوکاری کرده است که از نشانه‌های هدایت‌اند و بخل و بی‌نیازی از انفاق را عدم برخورداری از هدایت می‌شمرد. حال اگر نیکویی و انفاق تلاشی در جهت دستیابی به پاداش اخروی در نظر گرفته شوند، کلید مفهومی «تلاش برای هدف معنوی ارزشمند است» را می‌توان نتیجه گرفت که انفاق و نیکوکاری با بیان استعاری در حوزه‌های هدایت از قدرت اقناعی برای ترغیب مخاطب برخوردار شده‌اند.

نتیجه

در پژوهش حاضر استعاره‌های مفهومی و کلیدهای مفهومی واژه «هدایت» در ۱۲ جزء آخر و ۲۴ آیه مورد بررسی در قرآن کریم، بر اساس نظریه تحلیل انتقادی استعاره از چارتریس بلک (۲۰۰۴) همراه با شماری از حوزه‌های مفهومی عمده که همگی استعاره‌های مفهومی واژه هدایت را شامل می‌شوند، تبیین شده‌اند. تحلیل انجام شده در راستای پاسخ به پرسش پژوهش و تبیین حوزه‌های مفهومی به کاررفته در استعاره‌های مفهومی و کلیدهای مفهومی واژه هدایت در پیکره قرآنی مورد بررسی، نمایانگر ۱۴

حوزه زیر بوده است: ۱- دین، ۲- سفر، ۳- آگاهی، ۴- توحید، ۵- نور، ۶- وحی، ۷- اختیار، ۸- درمان، ۹- تقوی، ۱۰- داوری، ۱۱- تلاش، ۱۲- پاداش، ۱۳- شرایط آب و هوایی، ۱۴- تکوینی بودن (آفرینش).

بررسی کاربرد این حوزه‌ها در رویکرد انتقادی به استعاره و اینکه این حوزه‌ها با چه واژه‌هایی موجب ترغیب مخاطب به پذیرش استعاره می‌شوند، نمایانگر آن بوده است که بیشترین کاربرد از کلیدهای مفهومی در زمینه حوزه دین بوده است. در جمع‌بندی مباحث فوق می‌توان اذعان داشت که:

۱. حوزه «دین» با واژه‌های قرآن، نماز، پیامبر، وحی، زکات، اسلام، ایمان و توحید تفهیم شده‌اند.
۲. حوزه «سفر» با واژه راه و مرکب تفهیم شده است و کلید مفهومی «زندگی معنوی سفر است» برانگیخته شده، مفهوم هدایت را تبیین می‌کند. این حوزه با مفاهیمی همچون گم کردن یا منحرف شدن از راه که نرسیدن به سرمنزل مقصود را القاء می‌کند، زمینه ترغیب مخاطب به پذیرش هدایت را مهیا می‌کند.
۳. در حوزه «آگاهی» همان گونه که در توضیح جدول ۱ ارائه شده، منظور از آگاهی، بینایی و شنوایی و حضور قلبی است که ترغیب مخاطب در پذیرش هدایت با مفهوم‌سازی توسط قوای ادراکی صورت می‌گیرد.
۴. حوزه «توحید» با واژه‌های خدا و شریک و پیروی از غیر خدا مفهوم‌سازی استعاری شده است.
۵. حوزه «نور» همان گونه که در جدول شماره ۲ توضیح داده شد، با کاربرد واژه نور به عنوان ابزاری برای دیدن و رهنمون شدن که استعاره‌ای از هدایت

- معنوی است، موجب ترغیب مخاطب می‌شود.
۶. در حوزه «وحی» با واژه‌های قرآن، کتاب و اخبار غیبی، استعاره‌ها و کلیدها مفهوم‌سازی شده‌اند.
۷. در حوزه «اختیار» همان طور که در خصوص آیه ۱۳ سوره مبارکه سجده عنوان شد، حوزه‌های اختیار و جبر از متن آیه تفهیم می‌شوند.
۸. در حوزه «درمان» به صورت استعاری اشاره به عدم برخورداری از آگاهی معنوی به عنوان بیماری شده است که دین و هدایت به عنوان ابزاری برای دست‌یافتن به آن به‌نوعی درمان برای آن معرفی شده‌اند.
۹. حوزه «تقوا» با حوزه هدایت تفهیم می‌شود که دارای درجات عنوان شده و مبین صفات نیکوکاران در سطوح عالی پذیرش هدایت و تلاش در جهت دست‌یابی به درجه تقواست که مرتبه عالی هدایت می‌باشد. این بیان استعاری در مفهوم‌سازی دو حوزه از رتبه‌بندی در میزان تلاش افراد برای دریافت هدایت را تفهیم می‌کند.
۱۰. حوزه «داوری» با واژه‌های داوری و حکم، استعاره‌هایی را در ارتباط با مفهوم هدایت تفهیم می‌کند که مبین پذیرش حکم خداوند در امور دنیوی و اخروی است.
۱۱. «تلاش معنوی» حوزه دیگری بود که با کاوش در این ۱۲ جزء به عنوان حوزه‌ای استعاری در ارتباط با هدایت تفهیم شد و شامل تمامی فرایض دینی مانند نماز، انفاق، جهاد در راه خدا همچنین نیکوکاری و صبر در مصائب بود.
۱۲. حوزه «پاداش» استعاره‌های متنوعی را برانگیخته است، مانند بهشت و اجر

اخروی که به نیکوکاران وعده داده شده یا اجر دنیوی که وعده فتح و پیروزی در جنگ و دریافت غنایم را شامل می‌شود که در توضیح آیه ۲۰ سوره مبارکه فتح در جدول شماره ۲ به آن پرداخته شد. در مواردی نیز عدم توقع پاداش به عنوان هدایت معرفی شده است که در توضیح آیه ۲۱ سوره مبارکه یاسین عنوان گردید.

۱۳. حوزه «شرایط آب و هوایی» در دو بعد مثبت و منفی کلیدهای مفهومی را تفهیم نمود که در بعد مثبت با کلماتی همانند باران رحمت و باد و در بعد منفی با کلماتی مانند صاعقه به وجود آورنده استعاره‌های مفهومی در ارتباط با حوزه هدایت شده‌اند.

۱۴. در حوزه «تکوین» یا آفرینش و خلقت کلماتی مانند تقدیر کردن، آفریدن و سامان دادن موجب ارتباط این حوزه با هدایت بودند.

پژوهش حاضر ضمن بررسی استعاره‌های مفهومی واژه «هدایت» در پیکره قرآنی مورد بررسی در چارچوب رویکرد تحلیل انتقادی چارتریس بندک از استعاره‌های مفهومی، ارزیابی استعاره‌ها را با نگرشی انتقادی و با در نظر گرفتن متون قبل و بعد از آن تفسیر و تبیین کرده است تا ابعاد مختلف نقش اقناعی استعاره‌های واژه هدایت و تعبیر مختلف آن را در ترغیب مخاطب به پذیرش استعاره آشکار نماید.

منابع و مأخذ

* قرآن کریم.

۱. امینی، حیدرعلی و همکاران؛ «بررسی استعاره‌های مفهومی ساختاری در سوره نبا در قرآن کریم»، دومین کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی، قم: مؤسسه سفیران فرهنگی مبین، ۱۳۹۴.
۲. بهرام‌پور، ابوالفضل؛ تفسیر یک جلدی مبین؛ قم: آوای قرآن، ۱۳۹۶.
۳. پورابراهیم، شیرین و همکاران؛ «بررسی زبان‌شناختی استعاره جهتی بالا/پایین در زبان قرآن: رویکرد معنی‌شناختی»، انجمن زبان و ادبیات عربی؛ ش ۱۲، ۱۳۸۷، ص ۵۵-۸۲.
۴. جولایی، کامیار؛ «استعاره‌های مفهومی از منظر معنی‌شناسی شناختی»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۱.
۵. چارتریس بلک، جانانان؛ تحلیل انتقادی استعاره: رویکرد شناختی-پیکره‌ای؛ ترجمه یکتا پناه‌پور؛ قم: انتشارات لوگوس، ۱۳۹۷.
۶. حجازی، بهجت‌السادات؛ «استعاره مفهومی نور در قرآن»، فصلنامه فنون ادبی؛ س ۸ (پیاپی ۱۶)، ۱۳۹۵، ص ۸۵-۱۰۲.
۷. حجازی، سیده‌شیرین و همکاران؛ «تحلیل شناختی استعاره‌های مفهومی حرکت در قرآن کریم»، مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی؛ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، س ۲، ش ۳، ۱۳۹۷، ص ۱-۲۱.
۸. حسینی، سیده‌مطهره و علیرضا قائمی‌نیا؛ «استعاره مفهومی رحمت الهی در قرآن کریم»، مجله ذهن؛ ش ۶۹، ۱۳۹۵، ص ۲۷-۵۲.

۹. حسینی، سیده مطهره، علیرضا قائمی نیا و عبدالهادی فقهی زاده؛ «اثرپذیری حکمت‌های نهج‌البلاغه از قرآن کریم در انعکاس انواع استعاره‌های هستی‌شناختی»، *دوفصلنامه علمی پژوهشی پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن*؛ ش ۱۱، ۱۳۹۶، ص ۱۱-۲۸.
۱۰. ذوالفقاری، اختر و نسیرین عباسی؛ «استعاره مفهومی و طرحواره‌های تصویری در اشعار ابن‌خفاجه»، *نشریه پژوهش‌های ادبی و بلاغی*؛ ش ۱۱، ۱۳۹۴، ص ۱۰۵-۱۲۰.
۱۱. صاحب‌عبید، علی؛ «نقش استعاره مفهومی در فهم قرآن کریم، نمونه سوره‌ای نور»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۹۷.
۱۲. طالبی انوری، علی، مهین ناز میردهقان فرشته، سپیده عبدالکریمی و قاسم درزی؛ «تبیین شناختی بر استعاره‌های شباهت‌بنیاد در یازده جزء پایانی قرآن مجید»، *زبان‌شناخت*؛ نسخه ۹، ۱۳۹۷، ص ۴۷-۷۳.
۱۳. طالبی انوری، علی؛ تبیین شناختی و فرهنگی مفهوم‌سازی استعاری در جزءهای بیست تا سی قرآن کریم؛ تهران: دانشگاه شهید بهشتی، رساله دکتری، ۱۳۹۸.
۱۴. طباطبایی، سیدحسین؛ *تفسیر المیزان*؛ ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی؛ تهران: نشر بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ۱۳۷۶.
۱۵. قائمی نیا، علیرضا؛ *استعاره‌های مفهومی و فضاهای قرآن*؛ تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۶.
۱۶. کوچش، زلتن؛ *مقدمه‌ای کاربردی بر استعاره*؛ ترجمه شیرین پورابراهیم، تهران: سمت، ۱۳۹۹.

17. Black, M.; **Models and Metaphor**; Ithaca, New York: Cornell University Press, 1962.
18. Charteris-Black, J.; **Corpus Approaches to Critical Metaphor Analysis**; New York: Palgrave MacMillan, 2004.
19. Croft, W.; "The Role of Domains" in **the interpretation of Metaphors and metonymies, cognitive Linguistics**; 4/4, 1993, pp.335-370.
20. Goatly, A.; **The Language of Metaphor**; London & New York: Routledge, 1997.
21. Halliday M. A. K.; **An Introduction to Functional Grammar**; London: Edward Arnold, 1985.
22. Kovecses, Z.; **Metaphor: A Practical Introduction**; Oxford University Press, 2010.
23. Lakoff, G.; "The contemporary Theory of metaphor", in: A. Ortony (ed.); **Metaphor and Thought**; 2nd Ed., Cambridge: Cup, 1993.
24. Lakoff, G. and M. Johnson; **Metaphors we live by**; Chicago: University of Chicago Press, 1980.
25. Levinson, C.; **Pragmatics**; Cambridge: CUP, 1983.